An Analysis of Challenges of Upstream Oil and Gas Contracts in the Islamic Republic of Iran

Esmaeel Yaghoobi[1], Mohammad Fakhr[2]

1. Assistant professor Chabahar University of Maritime and Marine Sciences, PhD in, Chabahar, Iran, Chabahar, yaghoobi@cmu.ac.ir
2. Master of Intercontinental Maritime Transport Management, Chabahar University of Maritime and Marine Sciences, Chabahar, Chabahar, mohammad.fakhr1991@gmail.com, (Corresponding Author).

Date Received 2023/03/16
Date of correction2023/06/09
Date of Release 2023/06/18

Abstract

Oil and gas industry plays a key role in Iranian economy because of significant oil and gas resources in Iran. Despite over a century of experience of Petroleum contracts, our country has not yet been able to resolve its weaknesses, due to various issues such as political, economic, social, administrative, legal, historical, and cultural considerations. Iran, like other developing countries, suffering from lack of sufficient capital and technical knowledge as well as a desirable management capability for implementing upstream large oil projects such as exploration, drilling, development and production. So the presence of international experienced companies in this industry seem to be inevitable and it seems that this requires concluding cooperation agreements with these International Oil Companies (IOCs).

Accordingly, after outlining the basic research concepts, the legal requirements and constraints governing upstream oil and gas contracts, in order to assess the challenges have been studied.

Subsequently, 26 of the most important challenges out of the 40 identified challenges from the literature were selected using the Fuzzy Delphi method. Finally, there are suggestions and solutions to reduce these challenges including the developing a comprehensive plan for development of the oil and gas fields, using international companies in the form of consulting and services contracts, aligning the interests of the employer and the contractor in the implementation of projects, paying close attention to the development of technology in the industry, strengthening regional organizations and treaties to strengthen energy diplomacy, maximizing production from sharing fields in the least time to reduce these challenges etc.

Key words: Challenges, International Oil Companies, Laws and Regulations, National Oil Company, Upstream Oil and Gas Contracts.

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

فصلنامه حقوق اداری

سال دهم، تابستان ۱۴۰۲، شماره ۳۵

مقاله علمی پژوهشی

تحلیلی بر چالش‌های قراردادهای بالادستی نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

اسماعیل یعقوبی[۱]، محمد فخر[۲]

چکیده

به دلیل وجود منابع عظیم نفت و گاز در ایران، صنعت نفت و گاز نقش عمده‌ای در اقتصاد کشور ایفا می‌کند. کشور ما علیرغم بیش از یک قرن تجربه در حوزه قراردادهای نفتی هنوز نتوانسته ضعف‌های خود را در این حوزه برطرف کند که این امر ناشی از مسائل گوناگونی همچون ملاحظات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اداری، حقوقی، تاریخی و فرهنگی است. ایران نیز مانند سایر کشورهای درحال توسعه معمولاً از کمبود سرمایه و دانش فنی کافی و مناسب و همچنین توان مدیریتی مطلوب به منظور اجرای طرح‌های بزرگ نفتی بالادستی در زمینه‌های اکتشاف، حفاری، توسعه و تولید رنج برده است؛ بنابراین حضور شرکت‌های بین‌المللی مجرب در این عرصه اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد که این امر مستلزم انعقاد قراردادهای همکاری با این شرکت‌های نفتی بین‌المللی می‌باشد. بر این اساس، در این تحقیق پس از تشریح مفاهیم اساسی موضوع پژوهش، به منظور ارزیابی چالش‌های این حوزه، الزامات و محدودیت‌های قانونی حاکم بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز، مورد بررسی قرار گرفته است.

در ادامه، ۲۶ چالش مهم‌تر از میان ۴۰ چالش شناسایی‌شده مستخرج از پیشینه پژوهش، با استفاده از روش دلفی فازی انتخاب شد. در پایان نیز پیشنهادها و راهکارهایی از جمله تدوین برنامه جامع توسعه میادین، استفاده از شرکت‌های خارجی در قالب قراردادهای مشاوره و خدمات، همسویی هرچه بیشتر منافع کارفرما و پیمانکار در اجرای سریع‌تر پروژه‌ها، توجه جدی به توسعه فناوری در این صنعت، تقویت سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای به منظور تقویت دیپلماسی انرژی، تولید حداکثری در حداقل زمان از میادین مشترک و ... در جهت کاهش این چالش‌ها ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: چالش، شرکت ملی نفت، شرکت‌های نفتی بین‌المللی، قراردادهای بالادستی نفت و گاز، قوانین و مقررات.

۱. استادیار دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، ایران، چابهار، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار
yaghoobi@cmu.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد مدیریت حمل و نقل دریایی بین قاره‌ای، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، ایران. (نویسنده مسئول) mohammad.fakhr۱۹۹۱@gmail.com،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

مقدمه

از عوامل مهم توسعه هر صنعت، توسعه نظام‌های حقوقی حاکم بر همان حوزه به موازات توسعه جنبه‌های فنی و اقتصادی و مدیریتی آن است. صنایع نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به وجود منابع غنی خدادادی در قیاس با سایر صنایع همواره مورد توجه بوده است. از آنجا که صنعت نفت غالباً تأمین‌کننده اصلی درآمدهای ارزی کشور بوده، لذا مباحث مدیریتی و حقوقی آن نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو به علت پیشبرد این صنعت از نظر اقتصادی و مدیریتی و فنی، رابطه با سایر دول گریزناپذیر بوده و شاهد همکاری کشورها و شرکت‌های بین‌المللی با یکدیگر در این عرصه هستیم. طبیعتاً این همکاری‌ها در قالب قراردادهایی صورت می‌پذیرد تا هم تعهدات و وظایف طرفین و هم منافع حاصله مکتوب و منعقد گردد و علاوه بر این از بروز اختلافات احتمالی طرفین قرارداد کاسته و مرجعی برای حل دعاوی طرفین باشد.

صنایع نفت و گاز به‌طور کلی به سه بخش تقسیم می‌شوند: بخش بالادستی (اکتشاف و تولید) که شامل فرایندهای اکتشاف، توسعه و تولید نفت خام و گاز طبیعی می‌شود؛ بخش میان‌دستی (ذخیره‌سازی، پالایش و حمل و نقل) و بخش پایین‌دستی (تأمین و توزیع).

در دنیای تجارت، اگرچه هر سازمان در حوزه صنعت نفت و گاز در روند مدیریت قرارداد قرار می‌گیرد، اما هنوز هم از نقص‌ها و کاستی‌هایی در زمینه اطمینان طرف مقابل از انجام الزامات قراردادی خود از نظر زمان، ایمنی و سطح کیفی مطلوب رنج می‌برد (Chuan *et.al.*, ۲۰۱۰: ۷۲۵). تضمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه ایجاد انگیزه مناسب برای شرکت‌های نفتی بین‌المللی علاقه‌مند به مشارکت همواره از اهداف مهم انعقاد هرگونه قرارداد نفتی می‌باشد. بنابراین انعقاد قراردادی مطلوب و مرضی‌الطرفین از منظر حقوقی و مدیریت هر چه بهتر آن مورد نظر است. از این رو با توجه به اهمیت این صنعت و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بین کشورهای تولیدکننده نفت و گاز و همچنین تعاملات رایج بین‌المللی، به بررسی چالش‌های پیش رو در روند انعقاد قراردادهای بالادستی نفت و گاز می‌پردازیم.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

اهداف تحقیق

اهداف تعیین‌شده برای این تحقیق با توجه به مقدمه مطرح شده، شناسایی و بررسی مهم‌ترین چالش‌های قراردادهای بالادستی نفت و گاز در حوزه بین‌الملل و نهایتاً پیشنهاد راهکارهای مناسب در راستای کاهش چالش‌های قراردادهای بالادستی نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

نوع تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر اجرا، توصیفی- تحلیلی است. در این پژوهش از منابعی همچون کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و منابع اینترنتی استفاده شده است. همچنین جهت روایی چالش‌های شناسایی‌شده، از نظرات تخصصی نخبگان حوزه قراردادهای بالادستی نفت و گاز با استفاده از روش دلفی استفاده گردیده است.

۱. تعریف قرارداد

ماده ۱۸۳ قانون مدنی در تعریف عقد (قرارداد) می‌گوید: «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد». در تعریفی دیگر: «عقد توافق دو یا چند اراده است که به منظور ایجاد آثار حقوقی انجام می‌شود». (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۱)

قراردادها از حیث تابعیت اشخاصی که آن را منعقد می‌کنند به دو دسته قراردادهای داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند که نوع اول در قلمرو حقوق داخلی و نوع دوم تحت حاکمیت حقوق بین-الملل قرار دارد.

۲. مدیریت قرارداد

Grimsey & Lewis (۱۹۹ :۲۰۰۴) مدیریت قرارداد را این گونه تعریف کرده‌اند:

«پروسه‌ای که طی آن یکپارچگی و وحدت یک قرارداد تثبیت و حد و حدود نقش‌ها و وظایف بر اساس قرارداد به طور کامل تفهیم شده و به شکل یک قرارداد استاندارد در می‌آید».

weele & Puil (۳۵ :۲۰۱۴) مدیریت قرارداد را این‌گونه شرح می‌دهند:

«روندی که طی آن طرفین قرارداد به طور کامل با الزامات خود آشنا شده تا در جهت اهداف اجرایی قرارداد و اهداف استراتژیک تجاری متقابل گام بردارند».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

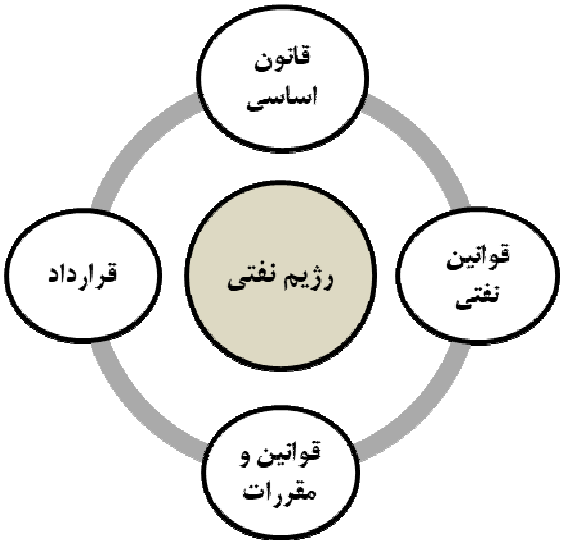
۳. قراردادهای بین‌المللی

ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) مصداق بین‌المللی بودن یک قرارداد را این‌گونه عنوان می‌کند:

«این کنوانسیون ناظر بر قراردادهای بیع کالا بین طرف‌هایی است که محل تجارت آن‌ها در کشورهای متفاوت با یکدیگر واقع شده باشد». البته از نظر این کنوانسیون، محل تجارت طرفین زمانی بر بین‌المللی بودن قرارداد دلالت دارد که مستند بر متن قرارداد یا معاملات قبلی طرفین و یا اطلاعاتی باشد که طرفین در زمان عقد قرارداد در اختیار قرار می‌دهند.

٤. رژیم نفتی

شبکه قوانین و مقررات مربوط به نفت در یک کشور خاص به عنوان «رژیم نفتی» شناخته می‌شود. رژیم نفتی به عنوان یک ساز و کار سلسله مراتبی، بهتر است از قانون اساسی کشور مربوطه آغاز و به یک قرارداد نفتی ختم شود. (Boykett *et.al.*, ۲۰۱۲: ۲۲)



شکل ۱: عناصر رژیم نفتی (Boykett *et.al.*, ۲۰۱۲: ۲۳)

قانون اساسی قدرت را برای یک دولت به منظور ایجاد و اجرای قوانین فراهم خواهد کرد. همچنین می‌تواند مالکیت بر منابع طبیعی کشور را مدنظر قرار دهد که در این صورت حاکی از آن است که منابع متعلق به شهروندان کشور هستند و یا دولت فعلی منافع مردم را به نیابت نگهداری

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

می‌کند. قوانین نفتی حاوی قوانین خاص مربوط به حقوق و مسئولیت‌های مندرج در قرارداد هستند. سایر قوانین از جمله قوانین زیست‌محیطی، قوانین بهداشتی و ایمنی، قوانین مالیاتی و قوانین کار نیز بخش مهمی از «رژیم نفتی» را شامل می‌شوند. بنابراین، یک قرارداد نفت به سادگی بخشی از رژیم نفتی کلی است که منابع نفتی را مدیریت می‌کند. به عبارت دیگر، قرارداد بخشی است که مشخصه‌ها و مفاد حقوقی را برای هر شرکتی که قصد کشف و استخراج در یک کشور دارد، تعریف می‌کند (Boykett *et.al.*, ۲۰۱۲: ۲۳-۲٤).

بطور کلی، قراردادهای نفتی به ترتیبات امتیازی، قراردادهای خدماتی (پیمانکاری) و قراردادهای مشارکتی تقسیم می‌شوند. (امین‌زاده و آقابابایی‌دهکردی، ۱۳۹۲: ۱۷۰)

۵. قوانین و مقررات مرتبط با قراردادهای نفت و گاز

۵-۱. قانون اساسی

برخی از اصول قانون اساسی می‌تواند صنایع بالادستی بخصوص صنعت نفت و گاز را تحت‌الشعاع قرار دهد که در انعقاد قرارداد باید آن‌ها را مورد توجه قرار داد. اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۷۷، ۸۱، ۱۲۵، ۱۳۹ و ۱۵۳ از مهمترین این اصول به شمار می‌آیند. برای نمونه، اصل ۴۳ قانون اساسی هرگونه سلطه بیگانه بر اقتصاد کشور را ممنوع دانسته است و یا طبق اصل ۸۱ دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

۵-۲. قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱

مطابق با ماده ۳ این قانون، وظایف و اختیارات وزارت نفت در امور سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی به شرح زیر است:

۱. تأیید طرح‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی به منظور تکمیل زنجیره تولید و ایجاد ارزش افزوده بیشتر؛

۲. ایجاد ساز و کار مؤثر برای جذب منابع مالی مورد نیاز داخلی و خارجی به منظور اجرای طرح‌های توسعه‌ای و حفظ و نگهداشت توان تولید با رعایت قوانین و مقررات؛

۳. جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسعه میادین هیدروکربونی با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده.

۵-۳. ماده ۳ قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰

سرمایه‌گذاری‌های خارجی که براساس مفاد این قانون پذیرفته می‌شوند از تسهیلات و حمایت‌های این قانون برخوردارند. این سرمایه‌گذاری‌ها به دو طریق زیر قابل پذیرش هستند:

الف) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه‌هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز می‌باشد.

ب) سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کلیه بخش‌ها در چارچوب روش‌های مشارکت مدنی، بیع متقابل و ساخت، بهره‌برداری و واگذاری که برگشت سرمایه و منافع حاصله صرفاً از عملکرد اقتصادی طرح مورد سرمایه‌گذاری ناشی شود و متکی به تضمین دولت یا بانک‌ها و یا شرکت‌های دولتی نباشد.

۵-٤. ماده ١٤ برنامه چهارم توسعه

این ماده به شرکت ملی نفت ایران این اجازه می‌دهد تا به منظور افزایش ظرفیت تولید نفت و حفظ و ارتقاء سهمیه ایران در تولید اوپک، و همچنین حمایت از جذب سرمایه و منابع خارجی در فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز به ویژه در میادین مشترک و طرح‌های اکتشافی کشور، اطمینان از حفظ صیانت هرچه بیشتر با افزایش ضریب بازیافت از مخازن نفت و گاز کشور، انتقال و بکارگیری فناوری‌های جدید در توسعه و بهره‌برداری از میادین نفتی و گازی و امکان استفاده از روش‌های مختلف قراردادی بین‌المللی، به انعقاد قراردادهای اکتشافی و توسعه میدان‌ها با طرف‌های خارجی یا شرکت‌های صاحب صلاحیت داخلی اقدام نماید.

۵-۵. ماده ۱۲۵ برنامه پنجم توسعه

ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه نیز وزارت نفت را با شرط رعایت اصول و مفاد مندرج در بند (ب) ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه، نسبت به انعقاد قراردادهای بیع متقابل با هدف ایجاد فضا و شرایط رقابتی در کلیه مراحل عملیات بالادستی مجاز دانسته است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

۵-٦. ماده ٤٨ برنامه ششم توسعه

وزارت نفت موظف است تمهیدات لازم را برای استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های شرکت‌های بخش خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف، تولید و بهره‌برداری (نه مالکیت) میادین نفت و گاز به ویژه میادین مشترک در چهارچوب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به عمل آورد.

٦. چارچوب حقوقی قرارداد

نوع و چارچوب قراردادها یکی از چالش‌های تعامل شرکت ملی نفت با شرکت‌های پیمانکار است که ممکن است باعث شود شرکت‌های نفتی انگیزه لازم برای حضور در طرح‌های توسعه میدان را نداشته باشند. پیچیده شدن فرآیند تصمیم‌گیری در یک چارچوب قراردادی یا سهم‌بری پیشنهادی در یک چارچوب قراردادی نمونه‌هایی از عوامل کاهش جذابیت ورود به میادین ایران برای شرکت‌های خارجی (یا داخلی) است. (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۳۴)

عمده‌ترین دلایل برآمده از قانون اساسی که به عقیده صاحب‌نظران دلالت بیشتری بر ضرورت استفاده از قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز دارند، اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی می‌باشد. با مطالعه اصول مذکور می‌توان نتیجه گرفت که بر مبنای قانون اساسی اعطاء هر بخشی از مالکیت و حاکمیت میادین نفت و گاز در هر قالبی به غیر، امکان‌پذیر نبوده و شرکت‌های بین‌المللی به عنوان صاحبان سرمایه، حق سرمایه‌گذاری که در مقابل منجر به دریافت امتیاز و یا حق مالکیت از سوی ایشان نسبت به منابع هیدروکربوری کشور بگردد را نخواهند داشت. (ابراهیمی و شیریجیان، ۱۳۹۳: ۲۷)

کاشانی‌زاده و شیروی (۱۳۹۶: ۹۵) در خصوص حقوق حاکم بر قراردادهای بین‌المللی چنین شرح می‌دهند:

«یکی از موضوعات مطرح در قراردادهای بین‌المللی فروش نفت خام، حقوق حاکم بر قرارداد است. بررسی شروط استاندارد فروش نفت خام شرکت‌های نفتی بین‌المللی نظیر شورون، توتال، رویال‌داچ شل، استت‌اویل و لیتاسکو نشان داد که این شرکت‌ها، حقوق انگلیس را بر قراردادهای خود حاکم دانسته و آن را از شمول کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا خارج نموده‌اند. شرکت‌های نفت دولتی کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت خام از جمله شرکت ملی نفت ایران، عموماً قانون داخلی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

خود را بر قراردادهای فروش نفت خام حاکم دانسته و نظر به عدم الحاق به کنوانسیون وین، در خصوص حکومت کنوانسیون ساکت هستند.

یکی از مهمترین مشکلات قراردادهای تجاری اختلافات ایجادشده بین طرفین است؛ وجود ابهام در متن قرارداد می‌تواند به بزرگترین اختلافات تجاری منجر شود. کاهش ابهام در قراردادها به نفع هر دو طرف و به طورکلی به نفع سیستم حقوقی می‌باشد (Torbert, ۲۰۱٤: ۷۷). به همین دلیل، مذاکره پیش از انعقاد قرارداد یکی از ویژگی‌های کلیدی معاملات تجاری نفت بین دولت‌ها و شرکت‌های نفتی به حساب می‌آید. مذاکره مراحل پیچیده‌ای را برای دادن و ستاندن در بر می‌گیرد؛ به این ترتیب که در هر مرحله از زنجیره ارزش، باید مذاکرات بسیاری برای انواع قراردادها صورت پذیرد تا به مرحله انعقاد برسد. (Salih & Salih, ۲۰۱۵: ۱٦۸).

شروط داوری قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز یکی از کلیدی‌ترین شروط مندرج در این قراردادها می‌باشد که بکارگیری فرمولی مناسب در آن می‌تواند قدرت مانور قابل‌توجهی را در تأمین منافع شرکت یا کشور درگیر اختلاف، ایجاد نماید (آریان‌کیا، ۱۳۸۸: ۱۹۷). بر همین اساس، نظام حقوقی صحیح و وجود زمینه‌های نظارت قانونی برای حفظ و توسعه سالم منابع در برقراری امنیت سرمایه در کشور میزبان بر انتخاب انواع و چگونگی درج شرایط بهینه در قراردادها تعیین کننده و تاثیرگذار می‌باشد (رضائیان‌مهر، ۱۳۹۴: ۲۷).

۷. چالش‌های سیاسی- اقتصادی قراردادها

جمع‌آوری مالیات از چالش‌هایی است که بر تصمیمات تولیدکنندگان و در نتیجه عملکرد اقتصادی در بخش استخراج تأثیر می‌گذارد. از لحاظ اجرایی، تصور سرمایه‌گذاران این است که چارچوب قانونی و سیستم‌های مالیاتی در منطقه ضعیف‌تر شده است که تحقیق در مورد ویژگی‌های برخی از این سیستم‌های مالیاتی در منطقه این ادعا را تأیید می‌کند (Vieyra *et.al*, ۲۰۱٤: ۸۸-۸۹).

با بررسی دلایل عدم تطابق مدل‌های اقتصادی رفتار اوپک در بلندمدت، می‌توان دریافت که تغییرات قیمت، عرضه و تقاضای نفت به عنوان یک کالای استراتژیک برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان حائز اهمیت است. بازار جهانی نفت شدیداً به عرضه بلندمدت نفت خام وابسته است که در این میان، عرضه پنج کشور حوزه خلیج فارس که دارای بیشترین ذخایر نفت خام اوپک و دنیا هستند از اهمیت استراتژیک ویژه‌ای برای طراحان سیاست‌های انرژی در کشورهای بزرگ صنعتی پیشرفته و شرکت‌های نفتی بزرگ برخوردار بوده است. تشابه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

در بروز تحولات سیاسی غیرقابل پیش‌بینی به ویژه در کشورهای حوزه خلیج فارس، از دلایل اساسی این امر به شمار می‌رود (جمشیدی رودباری، ۱۳۸۷: ۲۶). از دیگر علل عدم سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی در بخش بالادستی ایران در سال‌های اخیر وضع تحریم‌های ظالمانه یک‌جانبه و چندجانبه بین‌المللی بوده است (صاحب‌هنر و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۸). صدور قطعنامه‌ها و تحریم بین‌المللی از مهمترین چالش‌های حوزه بالادستی نفت و گاز بوده که روند پیشرفت و توسعه صنعت نفت را با هزینه‌های سنگینی رو به رو ساخته است. بیش‌تر این هزینه‌ها به این دلیل می‌باشد که شرکت‌های فراملی بزرگی که پیشتر در پروژه‌های نفت و گاز حضور داشته و سرمایه‌گذاری می‌کردند، کنار رفته و به جای آن شرکت‌های کوچک‌تر داخلی یا نه چندان مطرح خارجی جایگزین شدند، اما مشکل سرمایه خارجی و دانش فنی لازم هم چنان به قوت خویش باقی است و تدبیرهای عالمانه و شجاعانه را در این زمینه می‌طلبد. (کریمی‌زارچی، ۱۳۸۹: ۱۰) به این ترتیب، اهمیت استراتژیک نفت و گاز در کنار اولویت یافتن دیپلماسی در تأمین امنیت ملی را می‌توان دلیل بهره‌گیری کشورها از ابزار دیپلماسی در حوزه انرژی دانست. (کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۸)

۸. چالش‌های مدیریتی قراردادها

نبود نهادهای لازم، نوع تعامل وزارت نفت با شرکت‌های داخلی و خارجی، نگاه و بینش‌های حاکم بر صنعت نفت و شرایط محیط پیرامون صنعت نفت از جمله چالش‌ها و ضعف‌های ساختاری حوزه نفت و گاز کشور به شمار می‌آیند. علاوه بر این‌ها، توانایی مدیریت و راهبری پروژه نیز از چالش‌های مهم توسعه میادین توسط شرکت‌های داخلی است که با افزایش ابعاد پروژه نیاز به این توانایی نیز بیشتر می‌شود و ممکن است شرکت‌های داخلی که در برخی پروژه‌ها حضور داشته‌اند، توانایی مدیریت پروژه‌های بزرگ‌تر را نداشته باشند. (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۳۵)

شرط ثبات، تعهد ویژه‌ای است که بر اساس آن کشور خارجی نمی‌تواند مفاد قرارداد را با وضع قانون یا هر وسیله دیگری، بدون رضایت طرف دیگر، تغییر دهد. با پذیرش شرط ثبات، دولت حق خود را در تغییر یک جانبه تعهدات کنار گذاشته و به شرکت نفت خارجی اعتماد می‌کند. با در نظر گرفتن ماهیت حساس اکتشاف و استخراج میادین نفتی، چنین شروطی نه تنها تأمین‌کننده بخشی از منافع سرمایه‌گذار خارجی هستند بلکه در برخی موارد (همانند شروط مذاکره مجدد و انطباق) در جهت منافع دولت میزبان نیز هستند. (دوست محمدی، ۱۳۹۵: ۲-۱)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

ملی‌کردن و مصادره سرمایه‌گذاری‌های شرکت خارجی را می‌توان از مشهورترین ریسک‌های سیاسی دانست. منابع نفت و گاز به دلیل اهمیت استراتژیک بالایی که برای کشورهای توسعه‌یافته و نقش مهمی که در اقتصاد کشورهای درحال توسعه و وابسته به نفت دارند، با ریسک سیاسی ناشی از ملی‌کردن نیز همراه هستند. علاوه بر این، حادثه‌های اجتماعی و سیاسی از جمله انتخابات، انقلاب، جنگ، شورش‌ها و اعتصاب‌های گوناگون هم از دیگر ریسک‌های مؤثر در پروژه‌های نفتی به شمار می‌آیند. (مؤمنی‌راد و مداحی‌نسب، ۱۳۹۵: ۱۵۱-۱۵۰)

در حوزه بین‌المللی نیز از آنجا که در اسناد و قوانین بالادستی نفت بر اولویت و لزوم بهره‌برداری از میادین مشترک تاکید شده است، سه بعد مهم همکاری با کشورهای همسایه یعنی اقدامات ملی، تعامل با کشورهای همسایه و الزامات بین‌المللی باید مد نظر قرار گیرند. ترتیب این ابعاد و مجموعه آن‌ها مهم است و نادیده گرفتن اولویت و یا بعدی از ابعاد، موجب خواهد شد که با شکل نگرفتن همکاری، به میدان آسیب برسد و منافع ملی دچار خسارت شوند. (زاهدی‌وفا و فتح‌زاد، ۱۳۹۶: ۱۶۷)

شفافیت در قراردادها برای ارتقاء مدیریت مطلوب منابع هیدروکربن یک اصل اساسی است. (Andrade *et.al*, ۲۰۱۱: ۱) اگرچه محرمانه بودن قرارداد می‌تواند از اطلاعات اختصاصی[۱] حراست کند، با این حال، در مورد قراردادهای نفتی، یکی از امضاکنندگان، دولت و یا یک شرکت وابسته به دولت است که قراردادها را به نمایندگی از طرف شهروندان امضا می‌کند. دولت‌ها چیزی فراتر از تحصیل سود حداکثری، به شهروندان متعهد هستند. شهروندان حق دارند بدانند که آیا دولت آن‌ها در مذاکرات مربوط به قرارداد از منافعشان محافظت می‌کند یا خیر. آن‌ها انگیزه اصلی برای افشای قراردادهای نفتی را ارزیابی تقسیم سود از توسعه میدان نفتی بین دولت و شرکت‌های خصوصی نفت می‌دانند. (Rosenblum & Maples, ۲۰۰۹: ۱۲-۱۳)

۹. محیط زیست بین‌المللی، میراث مشترک بشریت

بیش از چندین دهه از نگرانی‌هایی که در مورد تخریب و آلودگی‌های محیط زیست ایجاد شده است، می‌گذرد و رفع این معضل جز با همکاری اعضای جامعه بین‌المللی میسر نخواهد بود. اصل پنجاه قانون اساسی نیز با تاکید بر اهمیت محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت و آیندگان، حفاظت محیط زیست را وظیفه عمومی تلقی می‌کند و از این رو، هرگونه فعالیت‌های اقتصادی و غیر

۱. Proprietary

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند را ممنوع اعلام کرده است.

با بررسی چالش‌های مربوط به آلودگی محیط‌زیست مرتبط با نفت، به ویژه در کشورهای درحال توسعه نیز به این نتیجه می‌رسیم که منافع اقتصادی و اجتماعی، کم و بیش اهداف زیست‌محیطی را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و درحالی که نیاز به مقابله با تخریب محیط‌زیست در جوامع تولیدکننده نفت به طور گسترده‌ای شناخته شده است، مداخلات قانونی دولت‌ها به طور گسسته و پراکنده انجام می‌گیرد و بر تجدید و بازسازی محیط‌زیست تمرکز نمی‌کند. (Opara, ۲۰۱٤: ii)

۱۰. نقدی بر قراردادهای نفتی

از نقدهایی که به قراردادهای بیع متقابل وارد است، عدم توازن بین ریسک و پاداش شرکت‌های بین‌المللی نفتی به عنوان پیمانکار می‌باشد. راه حل این معضل، طراحی مکانیسم قراردادی در جهت حداکثرسازی توازن در توزیع منافع طرفین و دستیابی به یک تعامل برد- برد است که این امر از عوامل انگیزشی مهم در جذب شرکت‌های توانمند خارجی برای شکل‌گیری یک فرایند همکاری بلندمدت به شمار می‌رود. از این رو، بهترین روشی که می‌توان ضمن به حداقل رساندن نااطمینانی‌ها، به توزیع اثربخش و متوازن منافع منجر گردد، استفاده از روش پیشرفت مرحله به مرحله در انجام مراحل مختلف عملیات بالادستی است (ابراهیمی و شیریجیان، ۱۳۹۳: ۲۲). از دیگر اشکالات رایج بیع متقابل، ضعف انتقال فناوری از طریق این قرارداد می‌باشد. فقدان انگیزه کافی در شرکت‌های انتقال‌دهنده فناوری و مشکلات مربوط به ضعف در ظرفیت جذب برای اکتساب فناوری در داخل کشور از عوامل مؤثر بر مشکلات انتقال و توسعه فناوری در ایران است. ضمن اینکه با توجه به حضور بازیگران متعدد در بازار فناوری در صنعت نفت، حاکمیت رویکرد سنتی به انتقال و توسعه فناوری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی و قرارداد با شرکت‌های بین‌المللی نفتی، متاسفانه زمینه مناسبی برای توسعه فناوری در کشور وجود ندارد. (نوروزی، ۱۳۹۴: ۱۸۵)

در قراردادهای بیع متقابل، پیمانکار مکلف است تا طبق برنامه تعیین‌شده در یکی از ضمائم پیوست قرارداد در خصوص استفاده حداکثر از توان و نیروی انسانی ایرانی اقدام کند. (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷)

در رابطه با قراردادهای جدید نفتی (IPC) نیز اشکالات متعددی وارد است که از مهمترین آن‌ها مواردی نظیر عدم تنوع قراردادی، نقض حاکمیت ملی، تضعیف ابهام انتقال فن‌آوری، خط پایه تخلیه،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

مدیریت تولید و نبود ساز و کار جریمه طرف خارجی در صورت عدم ایفای تعهدات بیان شده است. (خرمی و امامی، ۱۳۹۵: ۶)

در قراردادهای مشارکت در تولید، محاسبه تسهیم نفت در سر چاه، نقطه تحویل یا صادرات بر اساس قدرت مخزن، نفت در جا و قابلیت بازیافت تنظیم می‌شود و سبب تملیک مستقل وجود ندارد، لذا عملاً اعطای مالکیت در سر چاه به صورت غیرمستقیم منجر به مالکیت و یا استحقاق در مالکیت نسبت به ذخایر نفتی خواهد شد. در نتیجه، تغییر صوری اعطای مالکیت در سر چاه با عدم مالکیت مخزن، نمی‌تواند مشکل حقوقی در عدم تملک بیگانگان بر منابع تولیدی را حل کند. (ابراهیمی و کهن‌هوش‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۵۲) البته طبق وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱، اجازه کلی مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی داده شده است ولی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت‌شده.

با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد مخازن گاز میعانی و با وجود آسیب‌های قابل توجه ناشی از اجرا نکردن صحیح اصول فنی تولید صیانتی از این مخازن، به متولیان صنعت نفت و گاز کشورهای هدف از جمله ایران، توصیه می‌شود که ضمن توجه به آثار ناشی از اجرای هر مدل قراردادی بر عملکرد تولید طی عمر مخزن، به ویژگی‌های مطلوب مدل قراردادی طراحی، تهیه تجهیزات و ساخت توجه کنند. (کاظمی‌نجف‌آبادی و غفاری، ۱۳۹۶: ۱۰۹)

شرط پذیرش مسؤولیت و جبران خسارت در پروژه‌هایی که هم پیمانکار و هم کارفرما به نحوی در انجام فعالیت‌های پروژه و یا مدیریت و کنترل و نظارت بر آن دخیل هستند، به عنوان یکی از شروط رایج به ویژه در قراردادهای حوزه نفت و گاز به شمار می‌رود که عمدتاً هم این شرط یک تعهد طرفینی محسوب می‌گردد. از مزایای وجود چنین شرطی می‌توان به جلوگیری از وجود اختلافات پیچیده بین کارفرما و پیمانکار از یک طرف و بین پیمانکاران دست دوم از طرف دیگر اشاره کرد. (ابراهیم‌پور اسنجان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۴) فسخ قراردادهای نفتی نیز به خصوص زمانی که میدانی تجاری کشف شده یا میدان به تولید رسیده، برای شرکت‌های سرمایه‌گذار فاجعه است؛ به همین دلیل در قراردادهای نفتی مواردی که طرفین می‌توانند قرارداد را فسخ کنند به دقت تعریف می‌شود. (اسلامیه‌همدانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

۱۱. روش تحقیق

در این پژوهش، چالش‌های احتمالی قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز (از هر دو منظر دولت میزبان و سرمایه‌گذار) از طریق مطالعات پیشین محققان داخلی و خارجی و نظرات متخصصان و کارشناسان وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران و اساتید این حوزه شناسایی شده و توسط محقق در هنگام بازدید میدانی در قالب پرسشنامه دلفی به صورت حضوری در اختیار خبرگان امور قراردادها قرار گرفته است تا مهم‌ترین چالش‌ها با استفاده از روش دلفی فازی[۱] غربال و مشخص شود که در قالب جداولی ارائه می‌گردد.

۱۱-۱. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق از اسنادی چون کتاب، مقاله و مجله، اسناد سازمانی و رسمی، آمارهای مربوطه و اینترنت به فراخور مطالب مورد نیاز استفاده شده است. همچنین به منظور افزایش اعتبار و دقت در پژوهش و تجزیه و تحلیل اطلاعات، علاوه بر اسناد مکتوب از تجربیات صاحب‌نظران و نخبگان امر استفاده شد. در پایان پس از تکمیل پرسشنامه‌های دلفی طراحی‌شده توسط خبرگان، مهم‌ترین چالش‌های قراردادهای بالادستی نفت و گاز به کمک نرم افزار Excel ۲۰۱۳، تعیین و تجزیه و تحلیل نهایی پژوهش صورت پذیرفت.

۱۱-۲. تعداد کارشناسان دلفی

Hsu & Sandford (۲۰۰۷: ۵) ادعا می‌کنند که افراد دلفی باید در زمینه تخصصی دانش مرتبط با موضوع هدف، بسیار آموزش دیده و دارای صلاحیت باشند. در رابطه با تعداد اعضای پنل خبرگان (Clayton (۱۹۹۷: ۳۷۸ بر این عقیده است که اگر ترکیبی از کارشناسان با تخصص‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد، بین پنج تا ده عضو کافی است. بر این اساس و با توجه به محدودیت‌های موجود، در این تحقیق از نظرات تخصصی ۶ تن از خبرگان امور قراردادهای نفتی استفاده و نتایج نهایی در جدول ۲ ارائه شده است.

---

۱ Fuzzy Delphi

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

۱۱-۳. شناسایی طیف مناسب برای فازی سازی عبارات کلامی

از بزرگ‌ترین مزیت‌های تکنیک دلفی فازی نسبت به تکنیک دلفی سنتی آن است که می‌توان از یک مرحله برای تلخیص و غربال شاخص‌ها استفاده کرد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳). در الگوریتم اجرای تکنیک دلفی فازی برای غربالگری، نخست باید طیف فازی مناسبی برای فازی‌سازی عبارات کلامی پاسخ‌دهندگان استفاده کرد. طیف فازی مثلثی برای مقیاس نه درجه لیکرت در بیان اهمیت شاخص‌ها به‌صورت زیر است:

جدول ۱: اعداد فازی مثلثی معادل طیف لیکرت ۹ درجه

بسیار با اهمیت	تا حدودی بسیار با اهمیت	با اهمیت	تا حدودی با اهمیت	متوسط	تا حدودی کم‌اهمیت	بی‌اهمیت	تا حدودی بی‌اهمیت	کاملاً بی‌اهمیت
(۷,۹,۱۱)	(۶,۸,۱۰)	(۵,۷,۹)	(۴,۶,۸)	(۳,۵,۷)	(۲,۴,۶)	(۱,۳,۵)	(۱,۲,۴)	(۱,۱,۱)

(عطائی، ۱۳۸۹)

پس از انتخاب طیف فازی مناسب، دیدگاه خبرگان گردآوری‌شده و به صورت فازی ثبت می‌شود.

پس از فازی‌زدایی مقادیر برای غربال آیتم‌ها باید یک آستانه تحمل[۱] در نظر گرفت. آستانه تحمل را معمولاً ۷ در نظر می‌گیرند ولی این مقدار بر اساس دیدگاه پژوهشگر از پژوهشی به پژوهش دیگر می‌تواند متفاوت باشد. اگر مقدار قطعی حاصل از فازی‌زدایی دیدگاه تجمیع‌شده خبرگان، بزرگ‌تر از آستانه تحمل باشد شاخص مورد نظر تأیید می‌شود و اگر این مقدار کوچک‌تر از آستانه تحمل باشد شاخص مورد نظر حذف می‌شود. (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴)

۱۱-٤. غربال مهم‌ترین عوامل با استفاده از تکنیک دلفی فازی

برای غربال مهم‌ترین چالش‌ها در قراردادهای بالادستی نفت و گاز با استفاده از تکنیک دلفی فازی ۴۰ چالش شناسایی‌شده در قالب پرسشنامه دلفی تدوین شد. سپس این پرسشنامه به‌صورت حضوری در اختیار شش نفر از خبرگان امور قراردادهای شرکت ملی نفت قرار گرفت. از این خبرگان خواسته

۱ Threshold

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

شده بود که اهمیت هر یک از ۴۰ چالش مطرح‌شده را در قراردادهای بالادستی نفت و گاز مورد ارزیابی قرار دهند و برای هریک از این چالش‌ها برحسب اهمیت‌شان بر اساس طیف ۹ درجه لیکرت که از طیف «کاملاً بی‌اهمیت» تا «بسیار بااهمیت» را در بر می‌گیرد، امتیازی اختصاص دهند؛ بدین ترتیب که اگر موردی در قراردادهای بالادستی نفت و گاز کاملاً بی‌اهمیت باشد؛ عدد «۱» و اگر بسیار مهم باشد؛ عدد «۹» و اگر اهمیتی بینابین داشته باشد برحسب درجه اهمیت عددی از ۲ تا ۸ را اختصاص دهند.

محقق، امتیازاتی را که هر شش خبره به هر یک از این چالش‌ها اختصاص داده بودند را به‌صورت معادل فازی آن، در نرم‌افزار Excel ۲۰۱۳ وارد نمود و تجمیع فازی هر یک از چالش‌ها را با استفاده از رابطه زیر به دست آورد.

سپس از طریق فازی‌زدایی هر یک از آن‌ها با استفاده از میانگین حسابی، مقدار قطعی هر یک از چالش‌ها محاسبه شد.

$$F_{AGR} = \left(\prod_{k=1}^{N} (l_i^k), \prod_{k=1}^{N} (m_i^k), \prod_{k=1}^{N} (u_i^k) \right)^{\frac{1}{N}}$$

$$F_{AGR} = \left((۴,۶,۸) * (۷,۹,۱۱) * (۶,۸,۱۰) * (۵,۷,۹) * (۷,۹,۱۱) * (۶,۸,۱۰) \right)^{1/6} =$$

(۵/۷۳,۷/۷۶ ,۹/۷۷)

و برای فازی‌زدایی و به دست آوردن مقدار قطعی، میانگین حسابی حدود پایین، وسط و بالا محاسبه می‌شود.

$$\frac{l+m+u}{3} = (۵/۷۳ + ۷/۷۶ + ۹/۷۷) / ۳ = ۷/۷۵$$

برای غربال چالش‌ها باید یک آستانه تحمل در نظر گرفت و از آنجایی‌که هر یک از این ۴۰ مورد می‌تواند به نوبه خود از درجه اهمیت بالایی برخوردار باشد و با توجه به اینکه متخصصان تقریباً برای تمامی موارد امتیاز بالایی در نظر گرفته‌اند، بدین منظور در این تحقیق به دلیل استفاده از طیف ۹ درجه لیکرت و با در نظر گرفتن دیدگاه خبرگان و با هدف اینکه چالش‌های بسیار مهم نیز حذف

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

نشوند آستانه تحمل مقدار ۷/۶۰ در نظر گرفته شد. اگر مقدار قطعی حاصل از فازی‌زدایی دیدگاه تجمیع‌شده خبرگان، بزرگ‌تر از ۷/۶۰ باشد، چالش مورد نظر تأیید و اگر این مقدار کوچکتر از ۷/۶۰ باشد، چالش مورد نظر حذف می‌گردد. در جدول ۲ میانگین فازی دیدگاه خبرگان و مقدار قطعی به‌دست‌آمده برای هر چالش ارائه شده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

جدول ۲: فازی سازی دیدگاه خبرگان دلفی برای هر یک از چالش‌های تحقیق

	چالش‌های قراردادهای بالادستی نفت و گاز	میانگین دیدگاه خبرگان	مقدار قطعی	نتیجه
۱	قانون حاکم بر قرارداد	(۹/۷۷,۷/۷۶,۵/۷۳)	۷,۷۵	✓
۲	تحریم‌های بین‌المللی	(۹/۸۷,۷/۸۳,۵/۷۵)	۷,۸۲	✓
۳	تقویت دانش حقوقی به منظور انعقاد قراردادهای بین‌المللی	(۱۱/۰۰,۹/۰۰,۷/۰۰)	۹,۰۰	✓
۴	توجه به علم اقتصاد بین‌المللی	(۱۰/۶۴,۸/۶۳,۶/۶۲)	۸,۶۳	✓
۵	تولید صیانتی/ قوانین حاکمیتی در نظارت بر برداشت بهینه از مخزن	(۱۰/۱۶,۸/۱۶,۶/۱۶)	۸,۱۶	✓
۶	برقراری ارتباط متقابل میان سیاست و نفت (دیپلماسی نفتی/ دیپلماسی انرژی)	(۱۰/۲۷,۸/۲۵,۶/۲۱)	۸,۲۴	✓
۷	اصلاح ساختار وزارت نفت	(۹/۳۰,۷/۲۹,۵/۲۸)	۷,۲۹	✗
۸	اجرای سیاست‌های کلی اصول قانون اساسی (۴۴، ۸۱ و...)	(۹/۸۱,۷/۸۰,۵/۷۹)	۷,۸۰	✓
۹	دیوان سالاری و بروکراسی	(۹/۴۲,۷/۳۹,۵/۳۵)	۷,۳۹	✗
۱۰	مالکیت بر مخازن	(۹/۹۷,۷/۹۶,۵/۹۴)	۷,۹۶	✓

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

	نفت و گاز			
۱۱	محرمانه بودن اطلاعات	(۹/۱۱,۷/۰۹,۵/۰۶)	۷,۰۹	×
۱۲	شفافیت قراردادها	(۹/۵۶,۷/۵۲,۵/۴۶)	۷,۵۱	×
۱۳	الزامات حقوق دریاها/ منابع طبیعی بستر اقیانوس‌ها میراث بشریت	(۸/۹۳,۶/۹۱,۴/۸۸)	۶,۹۱	×
۱۴	تطابق و هماهنگی قراردادها با قوانین و مقررات داخلی	(۱۰/۴۹,۸/۴۹,۶/۴۸)	۸,۴۹	✓
۱۵	اولویت استخراج از میادین مشترک	(۹/۸۸,۷/۸۵,۵/۷۷)	۷,۸۳	✓
۱۶	انتقال تکنولوژی	(۹/۷۷,۷/۷۶,۵/۷۳)	۷,۷۵	✓
۱۷	پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری هر یک از طرفین	(۱۰/۴۹,۸/۴۹,۶/۴۸)	۸,۴۹	✓
۱۸	قوانین مالیاتی	(۹/۷۷,۷/۷۶,۵/۷۳)	۷,۷۵	✓
۱۹	قدرت چانه‌زنی مدیران و مذاکره-کنندگان با شرکت-های خارجی	(۹/۹۵,۷/۹۴,۵/۹۲)	۷,۹۴	✓
۲۰	تأمین منابع مالی لازم برای پروژه‌های اکتشاف تا بهره-برداری	(۱۰/۰۴,۸/۰۰,۵/۹۲)	۷,۹۹	✓
۲۱	مدت زمان قرارداد	(۱۰/۱۴,۸/۱۴,۶/۱۳)	۸,۱۴	✓
۲۲	ابهامات احتمالی در	(۹/۹۷,۷/۹۶,۵/۹۴)	۷,۹۶	✓

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

	متن قرارداد و امکان تفسیر به رأی هر یک از طرفین			
۲۳	تناسب منافع بین شرکت خارجی و کشور میزبان	(۹/۶۰,۷/۵۹,۵/۵۶)	۷,۵۸	×
۲۴	حق حاکمیت	(۹/۹۸,۷/۹۸,۵/۹۷)	۷,۹۸	✓
۲۵	انتخاب مرجع ذیصلاح در ارتباط با داوری	(۹/۶۲,۷/۶۱,۵/۵۹)	۷,۶۱	✓
۲۶	قوانین ملی شدن نفت در کشورها	(۹/۰۲,۶/۹۷,۴/۸۵)	۶,۹۵	×
۲۷	محدودیت منابع نفت و گاز	(۹/۸۷,۷/۸۳,۵/۷۵)	۷,۸۲	✓
۲۸	رقابت شرکت‌های نفتی در انعقاد قرارداد با کشور میزبان	(۱۰/۴۷,۸/۴۶,۶/۴۵)	۸,۴۶	✓
۲۹	نوسانات عرضه و تقاضا در سال‌های متوالی	(۹/۴۲,۷/۳۹,۵/۳۵)	۷,۳۹	×
۳۰	نوسانات قیمت نفت در بازار جهانی	(۹/۵۷,۷/۵۴,۵/۴۹)	۷,۵۳	×
۳۱	مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی، ایمنی و سلامتی با توجه به الزامات بین‌المللی	(۹/۹۵,۷/۹۴,۵/۹۲)	۷,۹۴	✓
۳۲	سیاست‌های اوپک	(۹/۹۷,۷/۹۶,۵/۹۴)	۷,۹۶	✓

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

۳۳	ثبات قوانین کشورها تا پایان مدت قرارداد (شرط ثبات)	(۹/۹۳,۷/۹۱,۵/۸۸)	۷,۹۱	✓
۳۴	انتخاب نوع قرارداد با توجه به میدان مورد نظر	(۸/۴۲,۶/۱۹,۴/۳۰)	۶,۳۰	✗
۳۵	منازعات بین‌المللی و خاور میانه	(۹/۱۷,۷/۱۱,۴/۹۷)	۷,۰۸	✗
۳۶	نحوه و درصد اشتغال به کار نیروهای داخلی و خارجی	(۸/۳۹,۶/۲۸,۳/۹۷)	۶,۲۱	✗
۳۷	تعیین میزان و نحوه پرداخت غرامت در صورت عدم اجرای تعهدات	(۹/۴۵,۷/۴۴,۵/۴۱)	۷,۴۳	✗
۳۸	حدود و شمول اختیارات پیمانکاران	(۹/۱۶,۷/۱۶,۵/۱۵)	۷,۱۶	✗
۳۹	نحوه نظارت بر مدیریت طرح	(۹/۷۷,۷/۷۶,۵/۷۳)	۷,۷۵	✓
۴۰	مفاد و شرایط فسخ قرارداد	(۹/۹۷,۷/۹۶,۵/۹۴)	۷,۹۶	✓

با در نظر گرفتن آستانه تحمل ۷/۶۰، از بین ۴۰ چالش در قراردادهای بالادستی نفت و گاز، ۱۴ چالش حذف شد و در نهایت ۲۶ چالش به‌عنوان چالش‌های بسیار مهم مورد پذیرش قرار گرفتند.

۱۲. تحلیلی بر یافته‌ها و نتیجه‌گیری

قراردادهای بالادستی نفت و گاز به ویژه در ایران همواره چالش‌هایی را در مسیر انعقاد به همراه داشته است. این چالش‌ها چه از منظر مدیریتی و چه از منظر حقوقی و اقتصادی، دغدغه‌هایی را به

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

وجود آورده است. لذا با توجه به اهمیت این موضوع، چالش‌های شناسایی‌شده در قالب پرسشنامه دلفی در اختیار خبرگان این حوزه قرار داده شد و همانطورکه نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است، مهم‌ترین چالش‌های قراردادهای بالادستی نفت و گاز از میان ۴۰ چالش اولیه شناسایی‌شده، استخراج گردید. از این میان تقویت دانش حقوقی به منظور انعقاد قراردادهای بین‌المللی، تطابق و هماهنگی قراردادها با قوانین و مقررات داخلی، توجه به علم اقتصاد بین‌المللی، و پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری هر یک از طرفین، بیشترین درجه اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند که این خود می‌تواند از یک طرف بیانگر اهمیت بالای هر سه جنبه مدیریتی، حقوقی و اقتصادی و از طرف دیگر وجود ضعف‌ها و کمبودهایی در این حوزه‌ها باشد. سایر چالش‌های مهم تأییدشده نیز به نوعی بر این بحث تأکید دارند. به عبارت دیگر حلقه‌های مدیریتی، حقوقی و اقتصادی اجزای غیر قابل تفکیک در قراردادهای بالادستی نفت و گاز به شمار می‌آیند. از این رو به دلیل اهمیت ویژه صنایع نفت و گاز برای کشور، توجه هر چه بیشتر به این ابعاد به شدت احساس می‌شود.

با توجه به نتایج حاصله، در جهت افزایش موفقیت و کاهش چالش‌های احتمالی در قراردادهای بالادستی نفت و گاز، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

– تدوین برنامه جامع توسعه میادین، ایجاد مرکز تصمیم‌سازی و سیاست‌پژوهی و تقویت ساختار تنظیم‌گری و نظارت در بدنه کارشناسی وزارت نفت؛

– استفاده از شرکت‌های خارجی در میادین پرریسک و مشارکت دادن شرکت‌های داخلی در جزئیات اجرای این پروژه‌ها و همچنین استفاده از شرکت‌های داخلی در میادین کم‌ریسک و شرکت-های خارجی در قالب قراردادهای مشاوره و خدمات؛

– استفاده از ظرفیت قراردادهای مشارکتی بر اساس مجوز مجلس شورای اسلامی در میادین پرریسک، مشترک یا پرهزینه؛

– ایجاد انعطاف و جذابیت لازم برای حضور هرچه بهتر شرکت‌های بین‌المللی نفتی در میادین مختلف هیدروکربوری با توجه به مجوز قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱؛

– لزوم ریسک‌پذیری و اعتماد دولت میزبان در مسائل مربوط به انتقال دانش فنی و آزادی پیمانکار در بکارگیری تکنولوژی و دانش‌های فنی جدید ضمن توجه جدی به توسعه درون‌زای فناوری در کشور؛

– پیش‌بینی عوامل انگیزشی جهت انتقال تکنولوژی و دانش‌های فنی جدید و تربیت نیروی انسانی؛

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

– لزوم ایجاد یک فرایند همکاری و تعامل منسجم و بلندمدت بین شرکت‌های داخلی و شرکت‌های معتبر خارجی؛

– ضرورت رعایت اصل تولید صیانتی از میادین و الزام به استفاده از روش‌های ازدیاد برداشت و حفظ ظرفیت؛

– کوتاه نمودن زمان اجرای قرارداد و تسریع در اجرای کلیه مراحل عملیات بالادستی به خصوص در حوزه میادین مشترک؛ به عبارتی تولید حداکثری در حداقل زمان از میادین مشترک؛

– طراحی مکانیسم قراردادی با قابلیت توزیع متوازن منافع میان طرفین و همسویی هرچه بیشتر منافع کارفرما و پیمانکار در اجرای سریع‌تر پروژه‌ها؛

– مسئولیت‌پذیری شرکت ملی نفت و تعریف فرایندهای تصمیم‌گیری بدون اعمال بروکراسی، اجرای یک نظام توسعه فردی و تخصصی برای هر یک از کارکنان و برگزاری دوره‌های آموزشی و فعالیت‌های ترویجی؛

– تقویت سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای به منظور تقویت دیپلماسی انرژی و استفاده از مذاکره‌کنندگان ماهر و باتجربه در این حوزه؛

– تناسب قوانین، استانداردها و دستورالعمل‌های زیست‌محیطی، توجه به تکنولوژی‌های سازگار با محیط‌زیست و تدوین ارزیابی زیست‌محیطی استراتژیک؛

– ایجاد زیرساخت‌های قانونی و مالی لازم برای تأمین مالی پروژه‌ها از منابع داخلی؛

– بهره‌گیری از سیستم مالیاتی نفتی مناسب با توجه به قوانین و مقررات داخلی؛

– تضمین جبران زیان‌های احتمالی توسط پیمانکار؛

– و...

همانطور که پیش‌تر گفته شد، تقویت دانش حقوقی به منظور انعقاد قراردادهای بین‌المللی، تطابق و هماهنگی قراردادها با قوانین و مقررات داخلی، توجه به علم اقتصاد بین‌المللی، و پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری هر یک از طرفین از جمله مواردی هستند که بهبود هرچه بیشتر آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد و بر این اساس لزوم ارتقاء جنبه‌های مدیریتی، حقوقی و اقتصادی در حوزه قراردادهای بالادستی نفت و گاز غیر قابل انکار است.

در خاتمه باید معترف بود که مدیریت قراردادهای نفتی امری بسیار پیچیده، دشوار و دقیق است. دولت کشورهای تولیدکننده نفت به مذاکره‌کنندگان حرفه‌ای و باتجربه جهت مذاکره با شرکت‌های نفتی بین‌المللی برای وارد شدن به قرارداد نفتی نیاز دارند. روش تقسیم سود بین دولت و شرکت‌ها و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

نحوه پرداخت یا جبران و بازگشت هزینه‌های آن‌ها، دو مسأله مهم است که باید در هر قرارداد نفت تعیین شود. دولت باید اهداف خود را در مذاکره با یک شرکت خارجی تعیین کند و اهداف شرکت را نیز در نظر بگیرد. قوانین و مقرراتی نظیر قوانین مالیاتی، ثبات قانون و... نقش مهمی در قراردادهای نفتی دارند، لذا آگاهی دولت از پیشنهادهای ارائه شده، قطعاً حائز اهمیت و ثمربخش خواهد بود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

فهرست منابع

منابع فارسی

آریان‌کیا، رضا (۱۳۸۸)، «شروط داوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، شماره ۴۱، ص۲۱۴-۱۹۷.

ابراهیم‌پوراسنجان، عادل، ابراهیمی، سیدنصرالله و باقری، محمود (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر شرط پذیرش مسؤولیت و جبران خسارت (موردکاوی قراردادهای نفت و گاز)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۳، ص۱۶-۱.

ابراهیمی، سیدنصرالله، منتظر، مهدی و مسعودی، فرزاد (۱۳۹۳). اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۲۶-۱.

ابراهیمی، سیدنصرالله و کهن‌هوش‌نژاد، روح‌الله، (۱۳۹۵). «چالش‌های قانونی استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت و گاز ایران»، *مجله راهبرد*، دوره ۲۵، شماره ۷۹، ص ۱۵۶-۱۳۷.

ابراهیمی، سید نصرالله و شیریجیان، محمد (۱۳۹۳)، «قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۳۹-۱.

اسلامیه‌همدانی، امیر، نورانی‌مقدم، سید یونس. و موسوی، سیده رؤیا (۱۳۹۵)، «ارتباط و مفهوم شناسی فسخ، انفساخ، تفاسخ و آثار و تبعات آن در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز»، ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۴۲، ص ۲۶-۱۹.

امین‌زاده، الهام. و آقابابایی‌دهکردی، پیمان (۱۳۹۲)، «مقایسه‌ی سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی از طریق قراردادهای امتیازی و مشارکت در تولید»، فصلنامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره ۴، ص ۱۷۵-۱۶۹.

جمشیدی‌رودباری، مستانه (۱۳۸۷)، «بررسی علل تطابق نیافتن مدل‌های اقتصادی رفتار اوپک در بلندمدت از دیدگاه تحولات بازار نفت و ویژگی‌های این سازمان»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۴۷، ص ۶۳-۲۵.

حبیبی، آرش.، ایزدیار، صدیقه و سرافرازی، اعظم، (۱۳۹۳)، تصمیم‌گیری چند معیاره فازی. تهران: کتیبه گیل.

خرمی، حامد و امامی، سید محمدحسین (۱۳۹۵). واکاوی نظرات و اشکالات وارده به قراردادهای جدید نفتی، ماهنامه علمی- ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۳۶، ص ۱۰-۶

دوست‌محمدی، بتول (۱۳۹۵)، «شرط ثبات در قراردادهای نفتی بین‌المللی»، کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵، دانشگاه شیراز، ایران، ص ۱۳-۱.

رضائیان‌مهر، مصطفی (۱۳۹۴). «بررسی ویژگی‌های قراردادهای بین‌المللی نفتی»، ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۲۲، ص ۲۷-۲۱.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

زاهدی‌وفا، محمدمهدی و فتح‌زاد، فرهاد (۱۳۹۶). «همکاری و مشارکت در بهره‌برداری از میادین مشترک»، جستارهای اقتصادی ایران، دوره ۱۴، شماره ۲۸، ص ۱۷۲-۱۵۳.

صاحب‌هنر، حامد، لطفعلی‌پور، محمدرضا، هوشمند، محمود. و فیضی، مهدی (۱۳۹۶). «مقایسه تطبیقی رژیم مالی قراردادهای جدید نفتی ایران ((IPC و قراردادهای مشارکت در تولید ((PSC: مطالعه موردی میدان آزادگان جنوبی»، «فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد»، سال چهارم، شماره ۱، ص ۱۱۸-۸۷.

عطائی، محمد (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری چند معیاره فازی. شاهرود: دانشگاه صنعتی شاهرود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)، سامانه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۰)، سامانه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

قانون اصلاح قانون نفت مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰)، سامانه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران. قابل دسترس در سایت:
http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۷۹۳۰۸۸

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳)، سامانه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، سامانه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵)، سامانه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۰)، سامانه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

قانون نفت مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۶)، سامانه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران. قابل دسترس در سایت:
http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91406

کاشانی‌زاده، هدی و شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶)، «حقوق حاکم بر قراردادهای بین‌المللی فروش نفت خام و جایگاه کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در این قراردادها»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال سیزدهم، شماره ۵۴، ص ۱۳۳-۹۵.

کاظمی‌نجف‌آبادی، عباس و غفاری، علیرضا (۱۳۹۶)، «تحلیل کارایی انواع قراردادهای بالادستی در تولید صیانتی از مخازن گاز میعانی»، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۳، شماره ۱، ص ۱۱۳-۸۱.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲)، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، اول، تهران: انتشارات مدرس.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

کریمی، محمدصادق (۱۳۹۵)، «آسیب شناسی و ارائه راهکارهای توسعه صنعت بالادستی نفت در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱، ص ۲۳۹-۲۲۹.

کریمی‌زارچی، مجتبی (۱۳۸۹)، «نگاهی کوتاه به چالش‌ها و اولویت‌های حوزه بالادستی صنعت نفت»، مجله اکتشاف و تولید، شماره ۷۳، ص ۱۱-۹.

کریمی‌پور، داود، نیاکویی، سید امیر، سیمبر، رضا (۱۳۹۶)، «نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه و قطر»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۲۰۵-۱۷۸.

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین المللی کالا، (۱۹۸۰). سامانه دادگستری استان تهران، معاونت آموزش دادگستری استان تهران، قابل دسترس در سایت:
http://www.ghavanin.ir/detail.asp?id=24098

مؤمنی‌راد، احمد و مداحی‌نسب، مصطفی، (۱۳۹۵)، «بیمه ریسک‌های موجود در پروژه‌های نفتی»، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۲، شماره ۱، ص ۱۶۵-۱۴۵.

نوروزی، محمد (۱۳۹۴)، «چالش انتقال فناوری در قراردادهای بالادستی نفت با تاکید بر قراردادهای بیع متقابل ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاستگذاری و برنامه‌ریزی انرژی، سال اول، شماره ۱، ص ۲۲۰-۱۸۵.

منابع لاتین

Andrade, M., Hernandez, C. & Landivar, A., (2010-11). Transparency in Petroleum Contracts: A Comparative Study of Ecuador and Bolivia: What are the Strengths, the Weaknesses, the Opportunities and the Threats? TRACE Briefings 2010–2011.

Boykett, T. et al., (۲۰۱۲). Oil Contracts, How to Read and Understand Prtroleum Contracts, Austria: Times Up Press.

Chuan, P., Wong, W.P., Ramayah, T. & Jantan, M., (۲۰۱۰). Organizational context, supplier management practices and supplier performance: A case study of a multinational company in Malaysia. *Journal of Enterprise Information Management,* 23(3), PP: 724-758.

Clayton, M.J., (۱۹۹۷). *Delphi: A technique to harness expert opinion for critical decision-making tasks in education,* Educational Psychology ۱۷, PP: 273–287.

Hsu, C. & Sandford, B., (2007). *The Delphi technique: Making sense of consensus. Practical Assessment, Research and Evaluation,* 12, PP. 1-8.

Opara, N.F., (2014). *Meeting Environmental Challenges of Oil Production in Nigeria: A Case for Environmental Restoration Funds,* Canada: University of Calgary.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]

Rosenblum, P. & Maples, S., (2009). *Contracts Confidential: Ending Secret Deals in the Extractive Industries,* New York: Revenue Watch Institute.

Salih, M.S. & Salih, R.S., (2015). Strategy of Oil Contract Negotiation, *International Journal of Business and Social Science,* Vol. 6, No. 9, PP: 168-175.

Torbert, P.M., (2014). *A Study of the Risks of Contract Ambiguity,* China, Peking University, School of Transnational Law.

Weele, V. & Puil, V., (2014). *International Contracting: Contract Management in Complex Construction Projects,* UK: Imperial College Press.

Grimsey, D & Lewis, M.K (2004), *Public Private Partnerships: The Worldwide Revolution in Infrastructure Provision and Project Finance*, UK: Edward Elgar Publishing.

Vieyra, J. C. & *et.al*, (۲۰۱٤), *Transparent Governance in an Age of Abundance: Experiences from the Extractive Industries in Latin America and the Caribbean*, US: Inter American Development Bank Publications.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.235]